

رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی^۱

علی محمدزاده ابراهیمی^۲

دکتر فرهاد جمهری^۳

دکتر احمد برجعلی^۴

تاریخ پذیرش:

تاریخ وصول:

چکیده

در پژوهش حاضر رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی آنان مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، ساکن در خوابگاه‌های دانشجویان متأهل، و حجم نمونه ۱۷۴ دانشجوی متأهل (۸۷ زوج) بود. پس از آنکه از طریق خوشه‌ای خوابگاه‌های مورد نظر از بین خوابگاه‌های متأهلی دانشگاه‌های دولتی انتخاب گردید، به دفتر سرپرستی هریک از آنها مراجعه و فهرست تمامی اعضای ساکن در خوابگاه‌ها تهیه و از طریق تصادفی اعضای گروه نمونه انتخاب گردید. سپس پرسشنامه NEO-FF-I و پرسشنامه ENRICH به ترتیب برای گردآوری داده‌های مربوط به ابعاد اصلی شخصیت و رضایت زناشویی بر روی هر یک از زوجین اجرا گردید. در این پژوهش وجود تفاوت معنادار بین ابعاد اصلی شخصیتی زن و مرد به منزله مکمل و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابه بودن در آن بعد تلقی گردید که در نهایت روان‌آزرده‌خویی به عنوان عامل مکمل و برون‌گرایی، سازگاری، پذیرا بودن به تجارب و مسئولیت‌پذیری به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد.

۲- کارشناس ارشد عمومی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

نتایج نشان داد از بین ۴ عاملی که بعنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابه بودن در سازگاری و برونگرایی، با رضایت زناشویی رابطه معناداری به دست آمد. در مورد مکمل بودن نتیجه پژوهش نشان داد که بین مکمل بودن در عامل روان آزرده‌خویی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و در نهایت نتایج آزمون t تفاوت معناداری را بین میزان رضایت زناشویی بر حسب مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی زوجین نشان نداد.

واژگان کلیدی: مشابه بودن، مکمل بودن، رضایت زناشویی.

مقدمه

رضایت زناشویی^۱ نشانگر استحکام و کارایی نظام خانواده است. سعادت و سلامت خانواده و در نهایت جامعه به ارتباطات سالم و بالنده زوجین بستگی دارد و چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد پیامد منفی آن انواع مشکلات جسمانی و روانی است. براساس گفته آلدوز^۲ (۱۹۹۶؛ به نقل از هاتی^۳، ۲۰۰۴). ازدواج مناسب حسی از معنا و هویت را در زندگی بوجود می‌آورد. خانواده و در نهایت جامعه سالم از پیوندهای آگاهانه زوجین شکل می‌گیرد. چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد تبعات آن نه تنها برای خانواده، بلکه برای کل جامعه خواهد بود.

کاهش و فقدان رضایت زناشویی یکی از مهمترین علل مراجعه زوجها به مشاوران و درمانگران خانواده است. سیر صعودی آمار طلاق و وجود تعارضات و آشفتگی روابط زوجین، انگیزه محققان را برای یافتن راه کارهای مناسب جهت مقابله با این پدیده اجتماعی افزایش داده است. بررسیهای متعدد حاکی از آن است که، ازدواج‌های ناپایدار و ناآرام علاوه بر اینکه مشکلات روانشناختی و جسمانی را در زن و شوهر افزایش می‌دهند، موجب افزایش این مشکلات در فرزندان نیز می‌شوند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که با گذشت زمان درصد مشکلات خانواده‌ها در حال افزایش است و در بعضی از کشورها چون ایالات

1. Marital Satisfaction
2. Aldous
3. Hattie.j

متحده امروزه آمار طلاق از ازدواج پیشی گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهند که در آمریکا بیش از چهل میلیون زن و شوهر به مشاوره نیاز دارند و بیش از نیمی از اولین ازدواج‌ها به جدایی و طلاق ختم می‌شوند (واتسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). افزایش آمار فرار دختران از منزل، کودکان خیابانی و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان در کشورما ارتباط مستقیمی با خانواده‌های آشفته و طلاق دارد. نکته مهم اینکه عدم فضای سالم در خانواده، یکی از موانع اصلی انتقال آداب، رسوم، فرهنگ و هنجارهای جامعه به نسل بعدی است. چهل درصد از زنان تحصیل کرده و تقریباً نیمی از زنان دیپلمه در ایران وضعیت ازدواج خود را پایین‌تر از حد متوسط می‌دانند، و در نگاه کلی سطح رضایت زناشویی مخصوصاً در زنان ایرانی بسیار پایین است (وقایع الاتفاقیه، ۸۳/۴/۲۲). توجه به این موضوع و اعمال راهکارهای مناسب جهت افزایش رضایت زناشویی در زوجین از طرق مختلف و همچنین تلاش در جهت بهبود همسرگزینی و انتخاب مناسب و آگاهانه همسر و کمک به آنها برای شادمانی و رضایت بیشتر از زندگی مداوم خود، ضروری به نظر می‌رسد. بیشتر پژوهشهایی که در کشور ما در زمینه علل سست شدن پیوندهای زناشویی و نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی‌شان صورت گرفته بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، بیکاری، تحصیلات، مذهب، سن و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی تأکید نموده‌اند. در حالیکه این عوامل را در افزایش نارضایتی‌ها و ناسازگاریهای زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت، اکثر پژوهشگران از عوامل درون فردی یعنی صفات یا ویژگی‌های شخصیتی که در درازمدت و بصورت پایدارتری رضایت زوجین از زندگی زناشویی‌شان را متأثر می‌سازد، غفلت کرده‌اند. از جمله مهمترین و بانفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج عاملی بوده است که بیش از همه حوزه پژوهش در شخصیت را به خود اختصاص داده است. الگوی پنج عاملی توافقی است میان بسیاری از روانشناسان صفات که پنج بعد یا عامل اصلی در توصیف همه صفات شخصیت وجود دارد. این پنج عامل که به «پنج بزرگ»^۲ معروفند عبارت‌اند از: روان‌آزرده‌خویی^۳،

1. Watson
2. Big Five
3. Neuroticism

برونگرایی^۱، سازگاری^۲، پذیرا بودن به تجربه^۳ و مسئولیت پذیری^۴. (پروین و جان ۱۳۸۱، ترجمه کدیور و جوادی).

در واقع زناشویی ازدواج دو شخصیت است. به همین جهت ضروریست با دیدگاهی آسیب شناختی به علل درون فردی ناسازگاریها و نارضایتیهای زناشویی و عدم موفقیت در ازدواجها پرداخته و نقش عوامل شخصیتی در رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. هر یک از همسران با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست شناختی، محیطی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می گذارند و یافته‌های پژوهشی نشان می دهند که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهای تقویمی مثل سن، تحصیلات یا سابقه جدایی کیفیت در گذشته رابطه زناشویی را پیش بینی می کند (بنتلر و نیوکمب^۵، ۱۹۹۸). نتایج جدیدترین یافته‌ها نشان می دهد که شخصیت همسر می تواند تأثیر مهمی بر روی توانایی افراد برای بهبود یافتن (و شاید زدن ماندن) از یک بیماری تهدید کننده سلامت آنها داشته باشد و می تواند سطح افسردگی همسرش را در هیجده ماه بعد پیش بینی کند (سانتایا^۶، ۲۰۰۷). سالهاست به این واقعیت اشاره می شود، ازدواج‌هایی مناسب تر است که طرفین در زمینه‌های مختلف مانند عاداتها، سلیقه‌ها، نگرشها، موقعیت اقتصادی - اجتماعی و ویژگیهای شخصیتی مشابه باشند. ضرب المثل «کند هم جنس با هم جنس پرواز»^۷ در بیشتر پژوهشهای انجام شده در مورد روابط بین زوجین، روابط رمانتیک و رضایت زناشویی حالت جزم، پیدا کرده است. بطور مکرر بررسی‌ها دریافته‌اند که شباهت بین همسران در ابعادی نظیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی، زمینه تحصیلی و آموزشی، سن، قومیت، مذهب، جذابیت جسمانی، هوش، نگرش‌ها و ارزشها سطوح بالاتری از رضایت

1. Extraversion
2. Agreeableness
3. Openness
4. Conscientiousness
5. Bentler & Newcomb
6. Santayana
7. "Birds of a Feather Flock together"

زناشویی و احتمال کمتری از جدایی و طلاق را پیش‌بینی می‌کند (شیوتا^۱ و لونسون^۲، ۲۰۰۷).

اما آیا شباهت در شخصیت‌های همسران رضایت بیشتری را در روابط زناشویی‌شان پیش‌بینی می‌کند؟ جایگزینی برای فرضیه شباهت، فرضیه مکمل بودن است که توسط وینچ^۳ (۱۹۷۴) مطرح شده است. طبق فرضیه مکمل بودن هنگامیکه همسران در صفات یا ویژگیهای شخصیتی‌شان متفاوت باشند، نسبت به موقعی که آنها در این ویژگیها مشابه هستند، ممکن است رضایت بیشتری از زندگی زناشویی‌شان داشته باشند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که تشابه و یا بالعکس تفاوت زوجین در صفات و ویژگیهای شخصیتی‌شان چه نقشی در افزایش و یا کاهش رضایتمندی آنها از زندگی زناشویی‌شان دارد؟

بعضی بررسیها نشان می‌دهند که، افراد کسانی را بعنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگیهای مشابهی با آنان داشته باشند. در پژوهشی ارتباط بین سازگاری زناشویی و شباهت شخصیت همسر براساس مدل پنج عاملی شخصیت، در ۹۹ زوج متأهل بررسی شد. نتایج نشان داد که شباهت همسری در ابعاد مسئولیت‌پذیری، سازگاری و روان‌آزوده-خویی، با سازگاری و رضایت زناشویی ارتباط داشت (اولسون و نیمچک^۴ ۱۹۹۹). در تحقیقی دیگر رابینز^۵، کاسپی^۶ و موفیت^۷ (۲۰۰۰) دریافتند که شباهت در روان-رنجورخویی با رضایت بیشتر در روابط زوجین همراه بود. در یک پژوهش بین مقطعی از زوجین جوان (میانگین مدت ازدواج تقریباً ۱۰ سال) گاتیس^۸ و همکارانش (۲۰۰۴) دریافتند، زوجین آشفته‌ای که در جستجوی مشاوره بودند نسبت به گروه گواه بطور معنادارتری در توافق جویی کمتر به هم شبیه بودند، و همینطور لوو^۹ و کلونن^{۱۰} (۲۰۰۵) دریافتند که شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی با رضایت بیشتر در روابط زناشویی

1. Shiota, M.N
2. Levenson, R.W
3. Winch
4. Olson, K.R & Nemchek, S
5. Robins
6. Cospi
7. Moffitt
8. Gattis & Colleagues
9. Luo
10. Klohnen

همراه بود. پاره‌ای از این مطالعات، هیچگونه شواهدی را برای ارتباط بین این دو نیافتند. مثلاً در یک مطالعه بین مقطعی بر روی زوجین واتسون^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) تأثیری از شباهت در هر یک از پنج صفت بزرگ شخصیتی را بر روی رضایت زناشویی نیافتند. بعضی مطالعاتی که انجام شده از فرضیه مکمل بودن حمایت می‌کنند. برای مثال دریر^۲ و هورویتر^۳ (۱۹۹۷ به نقل از شیوتا و لونسون ۲۰۰۷) دریافتند مشارکت کنندگان (در آزمایش) گزارش کردند که در مورد سطوح سلطه‌گری و سلطه پذیریشان، تمایل بیشتری نسبت به همسران با ویژگی مکمل دارند.

اما ارتباط بین شباهت در شخصیت و رضایت زناشویی در طولانی مدت و در مراحل مختلف زندگی هنوز شناخته شده نیست. در پژوهش بین مقطعی که شیوتا^۴ و لونسون^۵ (۲۰۰۷) ارتباط بین شباهت در پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی را در دوره‌های طولانی مدت بررسی کردند نشان دادند که شباهت بیشتر در ویژگی‌های شخصیتی شیب‌های منفی‌تری را در خط سیرهای رضایت زناشویی پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این شباهت زناشویی در صفات و وظیفه‌شناسی و برونگرایی به میزان قوی‌تری رضایت زناشویی منفی را در بین زوجین، پیش‌بینی کرد.

بنابراین با توجه به نتایج متناقضی که در تحقیقات مختلف بدست آمده، در پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین شباهت و مکمل بودن در ابعاد شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی آنان تلاش شده است تا به سه فرضیه زیر پاسخ داده شود:

- ۱- بین شباهت زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین مکمل بودن زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد.

۳- بین میزان رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی تفاوت معناداری وجود دارد.

1. Watson
2. Dryer
3. Horowitz
4. Shiota , M.N
5. Levinson , R.W

روش پژوهش

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

در این پژوهش جامعه مورد نظر شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، بود که در خوابگاه‌های متأهلی، ساکن بودند. نمونه‌گیری با استفاده از روش خوشه‌ای تصادفی انجام شد، پس از آنکه از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای خوابگاه‌های متأهلی مورد نظر از بین تمام دانشگاه‌های شهر تهران انتخاب گردید، به دفتر سرپرستی هر یک از خوابگاه‌ها مراجعه و فهرست تمام اعضای ساکن در خوابگاه‌ها تهیه و با شیوه تصادفی اعضای گروه نمونه انتخاب گردید. حجم نمونه پژوهش مورد نظر براساس میزان همبستگی مورد نیاز مطالعات گذشته و همچنین از طریق فرمول برآورد اندازه نمونه (دلاور، ۱۳۸۰)، ۱۷۴ دانشجوی متأهل (۸۷ زوج) می باشد. همچنین بیشترین فراوانی آزمودنیها از لحاظ دامنه سنی ۲۶-۳۰ سال (۴۶٪)، از لحاظ مدت ازدواج ۳-۴ سال (۲۴/۱٪)، از لحاظ میزان تحصیلات دانشجوی دکتری (۳۰/۵٪)، از لحاظ تعداد فرزند بدون فرزند (۵۲/۹٪) و از لحاظ وضعیت شغلی شاغل می‌باشند (۴۳/۷٪).

روش گردآوری داده‌ها و ابزار پژوهش

برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مربوط به ۵ عامل شخصیت و رضایت زناشویی به ترتیب از پرسشنامه جدید پنج عاملی شخصیت NEO-F-F-1 و پرسشنامه ENRICH^۱ استفاده شده است. پس از انتخاب گروه نمونه در هر یک از خوابگاه‌ها دو پرسشنامه (پرسشنامه NEO-FF-I و پرسشنامه ENRICH) در اختیار هر یک از زوجین قرار گرفته و پس از توضیحات کامل در مورد نحوه تکمیل آن‌ها از آنان خواسته شد که در زمان مقرر و با نهایت دقت و حوصله به پاسخگویی به آن مبادرت ورزند.

1. Enriching and Nurturing , Relationship issues , Communication

پرسشنامه NOE-FF-I

این پرسشنامه فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدیدنظر شده (NEO-PI-R) NEO، کاستا و مک گری، (۱۹۹۲) است که یک پرسشنامه ۶۰ آیتمی است و ۵ بعد شخصیت بهنجار را اندازه می‌گیرد و شامل ۱۲ آیتم برای هر یک از ۵ بعد می‌باشد. از آزمودنی خواسته می‌شود که بر روی یک مقیاس لیکرت، میزان انطباق عبارت ارائه شده با نظرات خودش را از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مشخص نماید. در زمینه پایایی این پرسشنامه، ضریب آلفای گزارش شده توسط مک گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در مورد روایی همزمان این پرسشنامه بین آن و پرسشنامه ریخت مایرز بریگز، پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرمین رابطه بالایی مشاهده شده است.

پرسشنامه ENRICH

این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری رابطه زناشویی بکار می‌رود. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش فرم ۴۷ سوالی است و ۱۲ خرده مقیاس دارد. نمره بالا در این پرسشنامه نشانه رضایت زناشویی بیشتر و بالعکس نمره پایین نشانه رضایت زناشویی کمتر است. در پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) ضریب پایایی این پرسشنامه به صورت آلفا محاسبه و ۰/۹۳ بدست آمد. ضریب همبستگی پرسشنامه ENRICH با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی ۰/۳۳ تا ۰/۴۱ بدست آمده که نشانه‌روائی سازه آن است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل: میانگین، انحراف استاندارد و همچنین از شاخص‌های آمار استنباطی شامل: ضریب همبستگی برای تعیین رابطه بین مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی با رضایت زناشویی و آزمون t مستقل برای ارزیابی تفاوت میزان رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی استفاده شده است.

نتایج

جدول شماره (۱) شاخص‌های آماری مختلف از جمله فراوانی، حداقل نمره، حداکثر نمره، میانگین، خطای استاندارد و انحراف استاندارد متغیرهای مختلف پژوهش را به تفکیک گروه مردان، زنان و کل زوجین نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای رضایت زناشویی و ابعاد اصلی شخصیت در مردان،

زنان و کل زوجین

شاخص‌های آماری متغیرها	تعداد	حداقل نمره			حداکثر نمره			میانگین			خطای استاندارد			انحراف استاندارد		
		مردان	زنان	کل زوجین	مردان	زنان	کل زوجین	مردان	زنان	کل زوجین	مردان	زنان	کل زوجین	مردان	زنان	کل زوجین
رضایت زناشویی	۸۷	۱۸	۲۱	۱۸	۶۵	۶۵	۶۵	۴۵/۹۵	۴۵/۰۲	۴۶/۶	۰/۹۷	۱/۱	۰/۷۱	۹/۰۸	۹/۴۲	۹/۲۸
مسئولیت پذیری	۸۷	۱۱	۱۴	۱۱	۴۸	۴۸	۴۸	۳۴/۴۰	۳۲/۶۸	۳۵/۱۲	۰/۷۵	۰/۶۵	۰/۵	۶/۹۶	۶/۸	۶/۵۶
روان آزوده خوبی	۸۷	۲	۱	۱	۳۸	۴۱	۴۱	۱۹/۶۷	۲۱/۵۶	۱۷/۷۷	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۶۶	۷/۹۷	۸/۹۶	۸/۶۷
برونگرایی	۸۷	۱۳	۱۲	۱۲	۴۰	۴۲	۴۲	۲۸/۲۸	۲۷/۸۸	۲۸/۶۷	۰/۶۰	۰/۶۸	۰/۴۶	۵/۶۷	۶/۳۵	۶/۰۱
گشودگی به تجربه	۸۷	۱۰	۱۵	۱۰	۳۸	۴۲	۴۲	۲۷/۶۴	۲۸/۱۰	۲۷/۱۶	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۴۱	۵/۲۰	۵/۵۵	۵/۳۸
سازگاری	۸۷	۱۴	۱۹	۱۴	۴۳	۴۷	۴۷	۳۲/۵۴	۳۲/۹۷	۳۲/۱۰	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۴۰	۵/۱۷	۵/۳۹	۵/۲۸

برای مشخص کردن میزان شباهت و مکمل بودن زوجین در عوامل شخصیتی از آزمون t مستقل استفاده شده است که تفاوت معنادار بین عامل شخصیتی زن و مرد به منزله عامل مکمل و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابه بودن در آن عامل است، که در نهایت روان آزوده خوبی به عنوان عامل مکمل و برونگرایی، سازگاری، پذیرا بودن و مسئولیت پذیری به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند. در خصوص فرضیه اول پژوهش که عنوان می‌دارد «بین شباهت زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد»، همانطور که در جدول (۲) دیده می‌شود، نتایج آنالیز واریانس نشان داد که از بین ۴ عاملی که به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابه بودن در ابعاد سازگاری و برونگرایی با رضایتمندی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آنالیز واریانس برای متغیرهای پیش‌بینی‌کننده

سطح مقدار	مقدار F	میانگین مجذورات	درجات آزادی	مجموع مجذورات	شاخص‌های آماری متغیرها	
					رگرسیون	باقی مانده
۰/۰۰۰	۲۸/۱۵	۱۲۱۴/۹۸	۱	۱۲۱۴/۹۸	رگرسیون	گام اول سازگاری
		۷۹/۵۲	۱۷۲	۱۳۶۷۷/۷۳	باقی مانده	
			۱۷۳	۱۴۸۹۲/۷۲	کل	
۰/۰۰۰	۱۱/۴۳۲	۸۷۸/۱۸۹	۲	۱۷۵۶/۳۷	رگرسیون	گام دوم سازگاری و برونگرایی
		۷۶/۸۲	۱۷۱	۱۳۱۳۶/۳۴	باقی مانده	
			۱۷۳	۱۴۸۹۲/۷۲	کل	

همچنین نتایج رگرسیون گام به گام نیز نشان داد که در نخستین گام، سازگاری رابطه معناداری با رضایت زناشویی داشته ($P < ۰/۰۱$) و در دومین گام برونگرایی رابطه معناداری با رضایت زناشویی دارد ($P < ۰/۰۱$) و به ترتیب وارد معادله رگرسیون می‌شوند. بنابراین از بین ۴ بعدی که به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند تنها به ترتیب بین شباهت زوجین در ابعاد سازگاری و برونگرایی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در خصوص فرضیه دوم پژوهش که بیان می‌کند «بین مکمل بودن زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد» همانطور که گفته شد روان آزرده خویی، به عنوان تنها بعدی که بین زنان و مردان در آن تفاوت معناداری وجود داشت، به عنوان عامل مکمل انتخاب شد. بدین منظور ضریب همبستگی بین مکمل بودن در روان آزرده خویی با رضایت زناشویی محاسبه گردید که نتایج در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین مکمل بودن در ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی

سطح معناداری	ضریب پیرسون	تعداد	شاخص‌های آماری متغیرها
			روان آزرده خویی (عامل مکمل) با رضایت زناشویی
۰/۰۰۰	-۰/۳۳۵	۱۷۴	

همانطور که از نتایج جدول مشاهده می‌شود رابطه منفی و معناداری بین مکمل بودن در روان‌آزرده‌خویی با رضایتمندی زناشویی وجود دارد ($P < 0/01$). به این معنی که هر چه زوجین در بعد شخصیتی روان‌آزرده‌خویی مکمل باشند رضایت زناشویی آنان کمتر است.

برای آزمون فرضیه ۳ پژوهش که عنوان می‌دارد «بین میزان رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی تفاوت معناداری وجود دارد» ابتدا همبستگی بین ابعاد شخصیتی مشابه و مکمل محاسبه و این به مقایسه آنها از طریق ضریب همبستگی معناداری پرداخته شده است:

$$Z = \frac{Z_{r_1} - Z_{r_2}}{\sqrt{\frac{1}{n^1 - 3} + \frac{1}{n^2 - 3}}} = \frac{0/354 - 0/348}{\sqrt{\frac{1}{174 - 3} + \frac{1}{174 - 3}}} = 0/054$$

همانطور که از نتایج مشاهده می‌شود بین رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه بودن و مکمل بودن ابعاد شخصیتی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و مقدار مشاهده شده کمتر از مقدار بحرانی $1/96$ می‌باشد. پس با اطمینان 95% می‌توانیم بگوییم که این فرضیه پژوهش رد می‌شود و تفاوتی بین میزان همبستگی رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه و مکمل بودن ابعاد شخصیتی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیت زوجین با رضایتمندی زناشویی آنان بود. وجود تفاوت معنادار بین ابعاد شخصیتی در زن و مرد به منزله مکمل بودن، و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابه بودن در آن عامل تلقی گردید؛ که در نهایت روان‌آزرده‌خویی به عنوان مکمل و ۴ عامل دیگر به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند. در خصوص فرضیه اول پژوهش نتایج نشان داد، از بین ۴ عاملی که بعنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابه بودن در ابعاد سازگاری و برونگرایی رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت و تنها این ۲ عامل (به عنوان ابعاد مشابه)

توان پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی را داشتند و فرضیه پژوهش تأیید گردید. این نتایج مطابق با نتایج پژوهش‌های اولسون و نیمچک (۱۹۹۹)، می‌باشد که شباهت در بعد سازگاری را با رضایت زناشویی مرتبط دانستند و همینطور سیمپسون^۱ و چرستنسن^۲ (۲۰۰۴) به نقل از شیوتا و لونسون (۲۰۰۷) و لوو و کلونن (۲۰۰۵) نیز، مشابه با این پژوهش دریافتند که شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی بویژه سازگاری با رضایت بیشتری در روابط زناشویی همراه بود.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که افراد برای عقاید و سلیقه‌های خود ارزش قائلند و از معاشرت با کسانی که انتخاب‌های آنها را تأیید می‌کنند لذت می‌برند و چه بسا از این راه عزت نفس آنها تقویت می‌شود. بنابراین کسانی را به عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌هایی مشابه با ویژگی‌های آنها داشته باشند تا بدین وسیله در محیطی قرار بگیرند که خصوصیات شخصیتی‌شان تقویت و شخصیتشان پایدار بماند. در نتیجه شباهت در ابعاد شخصیتی سازگاری و برونگرایی تأثیر خوبی بر رضایت زوجین از زندگی زناشویی دارد.

در مورد فرضیه دوم پژوهش که عنوان می‌داشت «بین مکمل بودن زوجین در ابعاد شخصیتی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد»، همانطور که قبلاً گفته شد، از بین ۵ عامل، تنها عاملی که بین زنان و مردان در آن تفاوت معناداری وجود داشت، بعد روان آزرده‌خویی بود و بنابراین به عنوان عامل مکمل انتخاب گردید. نتیجه در مورد این فرضیه این شد که رابطه منفی و معناداری بین مکمل بودن در بعد روان آزرده‌خویی و رضایت زناشویی وجود دارد. به این معنی که بالا بودن در عامل روان آزرده‌خویی در یکی از زوجین و پایین بودن آن در همسرش و بالعکس با کاهش میزان رضایت زناشویی در آنان همراه است. نتیجه حاصل از این تحقیق به گونه‌ای دیگر در پژوهش‌های کلی و کونلی^۳ (۱۹۸۷)، کارنی و برادبری^۴ (۱۹۹۵) واتسون^۵ و همکاران (۲۰۰۰)، کارنی^۶ و دیگران

1. Simpson
2. Chiristenson
3. Kelly & conley
4. Karney & Bradbury
5. Watson et all
6. Karney

(۱۹۹۴)، گاتیس و همکاران (۲۰۰۴)، بارلدز^۱ (۲۰۰۵)، دونلان^۲، کانجر^۳ و برینت^۴ (۲۰۰۵) و فیشر^۵ و مک نالتی^۶ (۲۰۰۸) نیز بدست آمده است.

آنچه در تبیین این نتایج می‌توان گفت این است که در هریک از همسران روان‌آزرده خوایی بالا توانایی لذت بردن از زندگی و رضایت زناشویی را هم در خودشان و هم در همسرانشان کاهش می‌دهد و جا برای تعاملات منفی و افزایش درگیری در روابط بین زوجین باز می‌شود. علاوه بر اینها روان‌آزرده‌خوایی در بردارنده انواع هیجانهای منفی مانند ترس، غم، خشم، برانگیختگی و... است و از آنجا که هیجان مخرب در سازگاری فرد و محیطش تأثیر دارد، در زن و مردی که دارای نمرات بالا در روان‌آزرده‌خوایی باشند احتمال بیشتری وجود دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و درجه‌های انطباق ضعیف‌تری با یکدیگر، و در شرایط فشار روانی را نشان دهند. در نتیجه وجود سطح بالایی از این عامل در هر یک از زوجین میزان رضایت آنها را از زندگی زناشویی شان کاهش می‌دهد (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹).

و در نهایت در خصوص فرضیه سوم پژوهش نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین میزان رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابه و مکمل بودن عوامل شخصیتی وجود ندارد و بنابراین این فرضیه پژوهش تأیید نمی‌شود.

در پایان پیشنهادهای کاربردی ناشی از این تحقیق را می‌توان در چندین زمینه مطرح کرد. یکی اینکه اهمیت عوامل و صفات شخصیتی در رضایت و سازگاری زناشویی غیرقابل تردید است و لذا لازم است مشاوران ازدواج در مشاوره قبل از ازدواج به این نکته اهمیت بیشتری به آن بدهند. بنابراین ارزیابی صفات یا ویژگیهای شخصیتی زوجین و همین‌طور مشابهت و مکمل بودن در این ابعاد می‌تواند نقش مؤثری در همسرگزینی‌های مناسب و پیشگیری از ناسازگاریها و نارضایتی‌های زناشویی داشته باشد. همین‌طور ارزیابی و

1. Barelds
2. Donnellan , B.M
3. Conger, R.D
4. Bryant. ch. M
5. Fisher. T. D
6. McNulty. j

آگاهی از ویژگیهای شخصیتی یکدیگر از طرف خود زوجینی که قصد ازدواج دارند نیز خیلی کمک کننده است. بدین منظور لازم است زوجین قبل از ازدواج مدت نسبتاً مناسبی را برای آشنایی و آگاهی از خصوصیات شخصیتی یکدیگر اختصاص دهند. در نهایت باتوجه به نتایج بدست آمده مبنی بر رابطه مثبت بین شباهت در ابعاد برونگرایی و سازگاری با رضایتمندی زناشویی و رابطه منفی بین مکمل بودن در روان آزرده خوئی با رضایت زناشویی در نظر گرفتن این نکات از سوی زوجین و بکارگیری آن توسط مشاورین ازدواج می تواند کمک کننده باشد.

در بیان محدودیتهای پژوهش حاضر باید گفت که انجام آن در جامعه دانشگاهی و در شهر تهران می تواند مشکلاتی در زمینه اعتبار و امکان تعمیم نتایج آن ایجاد کند و انجام چنین پژوهشی در نمونه و جامعه غیردانشگاهی و غیرتهرانی امکان تعمیم پذیری را در سطحی وسیعتر فراهم می سازد. همچنین پیشنهاد می شود پژوهشی از این نوع در ازدواج های طولانی مدت و در اواسط و اواخر زندگی زناشویی زوجین انجام شود.

منابع

- پروین. لارنس ا، جان.لیور. پی.(۱۳۸۱). شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه محمدجعفر جوادی، پروین کدیور. تهران: آبیژ.
- دلاور.علی. (۱۳۸۰). آمار و احتمالات کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد.
- سلیمانان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- وقایه الاتفاقیه، ۱۳۸۳/۴/۲۲.

- Barelds,P.H.(2005).Self and Partner Personality in Intimate Relationships. *European journal of personality*. Vol,19 (p:501-518)
- Bentler, P. M, New comb. M. D, (1978). Longitudinal study of marital success and Failure. *Journal of stalling and clinical Psychology vol.46*, p, 1053-1070.

- Bouchard and et all (1999).personality and marital adjustment: utility of the five – factor model of personality: *journal of marriage, and family*.61, 651-660.
- Costa, P.T. jr, & McCrae. R. R.(1992).*Revised NEO personality (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor(NEO-FF-I) professional manual* . Odessa FF, psychological Assessment Resources.
- Donnellan. B. M, Conger. R. D, Bryant. Ch. M (2005). The Big five and enduring marriages. *Journal of Research in personality*. Vol39. (p 206-207).
- Fisher. T. D, McNulty.j.(2008). Neuroticism and marital satisfaction: the mediating role played by the sexual relationship.*Journal of family psychology*. vol22 (1)112-122.
- Gattis K. S, Bern's, Simpson. L. E & Christenson. A.(2004). *Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions,similarity, and marital, Fame : psychol*. 18(4):564-74.
- Hattie. J (2004). The Relationship between marital characteristic, marital interaction process and marital satisfaction. *Journal of counseling and development*. 13(220-253).
- Luo, S. & Klohnen,E.C (2005).Assortative mating and marital quality in Newlyweds: A couple – Centered an approach. *Journal of personality and social psychology*, 88, 304-326.
- Olson. R.R& Nemchek.S (1999). Five factor personality similarity and marital adjustment. *Social Behavior and personality: An International Journal*. (P):309-317.
- Robins. R.W, caspi, A, & Moffitt, T. E (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and social psychology*, 79, 251-259.
- Santayana, G (2007). *Spouse's personality may be hazardous to your health*. Weds worth.
- Shiota, M. N & Levenson, R. W (2007). Birds of feather don't Always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectaries in long – term marriages. *Journal of psychology and aging*. Vol: 22, No, 4,666-675.
- Watson, D. Hubbard, B. & wiese. D. (2000).General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationship: evidence from self and partner – ratings. *Journal of personality*. 63:3.
- Watson, D. Klohnen, E. C, casillas. A., simms. E., Haig, j. & Berry, D. S. (2004). Match makers and breakers:Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of personality*, 12, 1029-1068.
- White, j.K, hendrich, S & hendrich, C (2004). *Big five personality variables and relationship constructs*. The enneagram institute Discussion Board.